

معرفی نسخه‌های خطی

حوریه سعیدی

۱. رسائل نظامی (بخش دوم)

در این قسمت به ادامه معرفی نسخه‌های خطی و کمیاب تاریخی با عنوان مجموعه رسائل نظامی می‌پردازیم. در شماره ۲۴ فصلنامه تاریخ معاصر ایران به معرفی سه نسخه از این مجموعه پرداختیم با عنوانهای: ۱. «رساله در علم قورخانه» (۱۲۵۷ ه.ق)؛ ۲. «رساله جنگ» (۱۲۶۹ ه.ق)؛ ۳. «رساله قانون نظامیه» (۱۲۷۰ ه.ق). در اینجا به معرفی چهار نسخه دیگر از این مجموعه خواهیم پرداخت.

لازم است که در اینجا توضیح داده شود که عمده این رسائل، در برهه‌ای از تاریخ ایران، به عنوان کتابهای آموزشی و برای محصلان نظامی دارالفنون تهیه و ترجمه شده است. با توجه به سیاق مطالب و موضوعات مطرح شده در بسیاری از آثار، به خوبی می‌توان دریافت که چرا آموزش نظامی در آن هنگام نتوانست چندان تأثیرگذار بوده باعث پیشرفت قشون ایران شود.

۴. کتاب ترجمه کتاب هندسه نظامی^۱ با تاریخ ۱۲۶۴ ه.ق و در ۱۴۷ صفحه به قطع رحلی کوچک خط خوش نسخ محرز محمدحسن شیرازی (بر اساس دروس موسی سمنو مهندس فرانسوی).

این نسخه با ستایش خداوند و مدح سلطان آغاز می‌شود. مؤلف علت تحریر این کتاب را بیدانسی «غازیان» و سپاهیان نسبت به آداب و رسوم مقاتله، ذکر می‌کند: «... اما بعد پوشیده نماند که غرض از تحریر این مقدمات و منظور از تسطیر این مقالات آن است که چون این چاکر جان نثار و بنده صداقت آثار «موسی سمنو» مهندس فرانسوی سالها در دولت قوی شوکت ایران صانها... عن البغی و الحدثان به جان نثاری مشغول و

۱. این نسخه به شماره ۱۸۲۹ رف در کتابخانه ملی ایران، مخزن کتب خطی، موجود است.

در مدت بیست و پنج ساله خدمت در تمامت اسفار غزویه ملتزم رکاب سعادت انتساب نواب مستطاب غفران‌مآب ولیعهد رضوان مهد مرور الله البسه تعالی فی حلال النور و اعلی حضرت قدر قدرت اقدس ظل‌اللهی، روحی فدا، می‌بود و در حین حرکت و سکون اردو افعال و اعمال غازیان ظفر قرین و سپاهیان نصرت آئین ملحوظ نظر بنده کم‌ترین شده معلوم شد که غالب آنها از آداب و رسوم مقاتله بیخبر بلکه در هنگام مجادله از عدم علم و تجربه باعث قتل خود و بسیاری از جان‌نثاران دولت ابدایت گردیدند؛ از صدور این واقعات و ظهور این حادثات بارها با خود اندیشه کرده گفتم (بیت):

نام نیکوگر بماند ز آدمی به کزو ماند سرای زرنگار

بهر آن است که برخی از علومات استحکامیه و بعضی از رسومات غزویه را به رسم یادگار ایراد کرده که سپاهیان جان‌نثار و لشکریان صداقت آثار به دقت ملاحظه پس از این از روی تحقیق و بصیرت به مقاتله و مجادله پرداخته خاک هستی خود را به باد نیستی ندهند. و چون عالیجاه علی‌خان قاجار غالب اوقات در نزد این بی‌مقدار مشغول تحصیل علمی که متعلق به مهندسی است می‌بود تمامت فقرات مذکوره که در این رساله ایراد یافته به موجب حکم همایون، روحی فدا، تعلیم مشارالیه کرده که هنگام ضرورت به جان‌نشاری دولت ابدایت اشتغال ورزد و راقم حروف، که بنده ممتحن راضی محمدحسن شیرازی است، نیز برحسب فرمان واجب‌الاذعان شاهنشاهی عادل کامل و شهریار باذل دریادل مولی‌الملوک العرب و العجم مالک‌الرقاب الامم حافظ شریعت غزّا و ناصر ملت بیضا المؤید من عندالله ظل‌الله فی الارضین قهرمان الماء والطين غوث الاسلام والمسلمین حامی دین مبین ماحی شرک و کین السلطان ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان محمدشاه غازی خلدالله ملکه و دولته الی یوم الدین، در نزد جنرال مشارالیه مأمور این‌گونه خدمات می‌بود امتثالاً لامره الاشرف الاقدس روحی فدا همه روزه در محضر جنرال مذکور حاضر و بصیر بر جزئیات اقوال و افعالش مطلع و خبیر بر حسب اشارات مشارالیه طبع کدورت سرشت محرک شد که ترجمه اکثری از درسهای مزبور را، که در زمان دولت بعضی از تائید یافتگان حضرت اله از قبیل ناپلیان* و بعضی دیگر از پادشاهان یرپ** که از فتوحات به تجربه رسیده و اکنون بجهت غازیان جرار و سپاهیان نصرت شعار خاصه مهندسین توپخانه و صاحب منصبان عساکر منصوره ضرور و درکار بلکه در حین غزوات باعث احیای بسیاری از نفوس

است، در صفحه اظهار و در حیز تحریر و نگار در آورد؛ لیکن چون رساله مذکوره ترجمه الفاظ فرنگی است و ربط دادن الفاظ مزبور را به فارسی خالی از اشکال نیست مستدعی است که صاحبان حرفت و بیشتن از عبارات دلکش و نکات بیغش چشم نکته‌بین را پوشیده و طالب فهمیدن و دانستن اصل مطلب باشند... مطالب و موضوعات مطرح شده در متن در قالب سه باب آمده که هر کدام از بابها جزئیات موضوعات خود را در بخشهای جداگانه با عنوان «قاعده» توضیح می‌دهد:

باب اول در دانستن بعضی از علوم ضروریه غزویه از قبیل ساختن سنگرها و محافظت اردو و نگاهداری قلاع و تفصیل استحکام آنها، و آن مشتمل است بر بیست و سه قاعده: قاعده اول در بیان نقشه کشیدن، قاعده دوم در بیان محکم کردن مکانی که محل نزول و اقامت لشکر است، قاعده سیم در بیان ریختن طرح سنگر در روی زمین، قاعده چهارم در ترتیب دادن اندازه و بنیان سنگر از اقسام خاکها، قاعده پنجم در بیان حفر خندق سنگر موسومه به پرفیل، قاعده ششم در بیان درست نمودن اندازه‌های خندق، قاعده هفتم در بیان بردن ماریچ، قاعده هشتم در بیان ارتفاع سنگرها، قاعده نهم در بیان نگاهداشتن سنگرها که سربازان به چه نظام در آنجا ایستاده محارست نمایند، قاعده دهم در بیان انداختن توپ و تفنگ در حین اقامت جان‌پناه یا صحرا به نشانه مقصود، قاعده یازدهم در بیان انداختن توپ و تفنگی که باید از قلعه چه حکم به صحرا داشته باشند، قاعده دوازدهم در بیان سنگرهایی که در صحرا فرو ساخته می‌شوند، قاعده سیزدهم در بیان ساختن سنگرهای مثلث، قاعده چهاردهم در بیان ترتیب دادن سنگر مثلثی دیگر به عدد آدمهایی که در آنجا باید اقامت نمایند، قاعده پانزدهم در بیان ساختن سنگری که شبیه است به عینک چشم، قاعده شانزدهم در بیان ساختن سنگرهای مربع قاعده هفدهم در بیان ریختن طرح سنگر مثلث دیگر، قاعده هجدهم در بیان ساختن سنگر موسومه به پرفیل در مکان معین، قاعده نوزدهم در بیان تقسیم کردن کار را به عمله‌ها، قاعده بیستم در بیان محکم کردن میدانها و کناره‌های خاکریز قلعه و سنگر صحرائی، قاعده بیست و یکم در بیان محکم کردن سنگر از اشیاء متفرقه خارجی، قاعده بیست دوم در بیان عبور کردن از رودخانه و نهرهای بزرگ و کیفیت زورآبها و محکم کردن آنها، قاعده بیست سیم در بیان نگاهداشتن قنظرها و دره‌ها و کاروانسرا و آسیا و دهات واقعه در صحرا.

باب دوم در بیان ساختن سنگرهای توپ و سایر علومی که خاصه توپخانه و

استحکام آن است و آن نیز مشتمل است بر هشت قاعده: قاعده اول در بیان ساختن اقسام سبد و چیر و زنبق و دانستن الفاظ و عباراتی که در توپخانه معمول است، قاعده دوم در بیان ساختن سنگر توپها، قاعده سیم در بیان گذاردن توپ را در سنگرها قاعده چهارم در بیان قراول رفتن توپها، قاعده پنجم در بیان ترکیب انداختن توپها، قاعده ششم در بیان قراول رفتن قپزها و خمپارها و طریقه انداختن آنها، قاعده هفتم در بیان فاصله گلوله‌های توپ و تفنگ و انداختن آنها، قاعده هشتم در بیان انداختن اردو.

باب سیم در بیان گرفتن و نگاهداشتن و استحکام قلاع و سنگرها و عبور از رودخانه‌ها و آن مشتمل است برده سؤال: سؤال اول در بیان قلاع متصله و منفصله و حاصل آنها، سؤال دوم در بیان خاصیت سنگرهای سرصف، سؤال سیم در بیان ترکیبات سنگرهای متصله و حاصل آنها، سؤال چهارم در بیان ترکیبات سنگرهای منفصله و خاصیت آنها، سؤال پنجم در بیان حفر چاههایی که شبیه به تله خرس است، سؤال ششم در بیان محکم کردن سنگری از میخ طولیه و شست و ترب و تخته میخدار، سؤال هفتم در بیان پلهایی که روی رودخانه‌ها به جهت عبور لشکر ترتیب می‌دهند، سؤال هشتم در بیان عبور لشکر از رودخانه‌ها در نقطه مخصوص، سؤال نهم در بیان حرکت لشکر انبوه یا غیرانبوه در مملکت خارج یا غیرخارج سؤال دهم در بیان یورش آوردن لشکر دشمن در سنگری یا قلعه.

نویسنده در هر قسمت به توضیح مفصل دربارهٔ موضوعات عنوان شده در هر یک از بابها و قواعد می‌پردازد با انشائی نسبتاً روان به سبک نگارش زمان خود و همراه با شرح جزئیات. در ابتدای نسخه چندین نقشه عملیاتی درباره موضوعات مطرح شده در متن وجود دارد و در لابه‌لای متون نیز جدولهایی جهت گویاتر کردن متن دیده می‌شود. انتهای متن: «تمت الكتاب بعون الملك الوهاب در شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۴ یک هزار و دو بیست و شصت و چهار من هجرة النبویه علیه آلاف و التحیه مطابق سال قوی ثیل خیریت دلیل صورت اتمام پذیرفت و چون رساله مذکور جزئی است از علوم استحکامیه و منظور چاکر جان‌نثار و بنده صداقت آثار این است که انشاء... تعالی پس از این به اقبال بی‌زوال خسرو بی‌همال و شاهنشاه ظفرمند بلند اقبال، روحی و روح‌العالمین فداه قواعد استحکامیه کلیه را در رشته تحریر درآورد... انشاء... الرحمن مابقی علومات استحکامیه را از این بعد مشروحاً در معرض عرض درآورده که سپاهیان را از مطالعه آن

فایده‌ها حاصل شود و السلام علی من التبع الهدی.»

۵. رساله قانون نظام^۲ تحریر شده در ۱۲۶۷ هـ ق در قطع رحلی کوچک با خط نسخ خوش در ۳۷ صفحه. در صفحه اول نسخه دو سجع مهر: هدایت الله بن حسین و رضاالحسینی و نوشته «مطابق ثبت کتابچه کتابخانه مبارکه است ۱۲۸۲». مقدمه کتابچه سجع مهر: «هو در مهرناصرالدین شاه شاهان» این رساله‌ای است در قوانین و قواعد نظام که حسب‌الفرمایش این غلام خانه‌زاد یحیی از لغت فرانسه به فارسی ترجمه نموده مشتمل است بر ده قانون و یکصد و سی و سه قاعده.

مؤلف اثر، و در واقع مترجم اثر بدون مقدمه‌چینی و مداحیها و ثناهایی که در کتابهای ترجمه و تهیه شده این دوران معمول است، یگراست به سراغ مطلب اصلی رفته و ترجمه خود را از اثر، که نام و مشخصات مؤلف را همراه ندارد، آغاز می‌کند. قانون اول که مشتمل است بر هفت قاعده در بیان تعریف بنای سربازخانه‌های نظام و مایتعلق آن؛

قانون دوم که مشتمل است بر نه قاعده در نگهداری و محافظت عمارات نظام؛

قانون سوم که مشتمل است بر هشت قاعده در تعیین منازل در عمارت مزبور؛

قانون چهارم که مشتمل است بر پانزده قاعده در بیان اقامت افواج در سربازخانه؛

(با این فصلبندی محور عمده متن کتاب مشخص است که درباره شکل سربازخانه‌ها و ترتیبات انتظام آنهاست. در لابه‌لای مطالب جدولهایی وجود دارد که شرح موضوعات به کمک آنها آسان‌تر می‌شود از جمله فهرست «تمکن عساکر در عمارات معسکر که علی‌قدر مراتبهم» معین شده که با جدولی شرح داده شده است.)

قانون پنجم که مشتمل است بر سی و پنج قاعده در بیان اشیاء عمارات نظام. ذکر این نکته ضروری است که فصلبندیهایی که با اعداد تفکیک شده، توضیحاتی در حد یک سطر و یا یک عبارت کوتاه همراه خود دارد؛

قانون ششم که مشتمل است بر دوازده قاعده در بیان احتساب و انتظام عمارات نظام؛

قانون هفتم که مشتمل است بر ده قاعده در بیان تخلیه و خروج متمکن از عمارات

نظام؛

قانون هشتم که مشتمل است بر سیزده قاعده در رسوم اجاره و استجاره عمارات

رعیتی؛ (در این قانون و قواعد آن شرایط اجاره کردن عمارات و لزوم حصول رضایت

۲. این نسخه به شماره ۱۶۷۷/ف در مخزن کتب خطی کتابخانه ملی ایران موجود می‌باشد.

طرف اجاره درباره آن در نظر گرفته شده است.)

قانون نهم که مشتمل است بر دوازده قاعده در بیان بنیاد و تعمیر عمارات نظام. در انتهای این مبحث جدولی است با عنوان تعریف وضع بنای سربازخانه‌ها و عمارات نظام و عدد حجرات و گنجایش آنها عموماً از «مردم و دواب و غیره» چنانکه اجمالی در قاعده «هفده» این رساله ذکر شد.

از صفحه ۳۵ کتاب، ادامه مبحث به این گونه پی گرفته می‌شود: «این مجملی است از قوانین و قواعد کلیه عامه مملکتی که منسوب است به قاعده سیم این رساله قانون پنجم از قوانین کلیه که مشتمل است بر ده قاعده در بیان اقامت و عبور عساکر در ممالک محروسه...» و ادامه توضیح شرایط اجاره یا در اختیار گرفتن منازل از جانب صاحبان افواج بجهت منزل دادن افواج و قشون در آن و نیز رعایت آسایش رعیت و عدم ظلم و اجحاف در حق ایشان. خاتمه بحث توضیح قاعده دهم است و ذکر تاریخ تحریر کتاب فی شهر ربیع‌الثانی ۱۲۶۷.

۶. رساله قواعد کلی نظام^۳ تحریر شده در ۱۲۷۰ ه.ق با سجع مهر: مطابق ثبت کتابچه کتابخانه مبارکه است ۱۲۸۳، در قطع رقیعی با خط نستعلیق نه چندان خوش در ۸۵ صفحه و همراه با طرحها و نقشه‌هایی که در خلال مطالب وجود دارد، اثر علی‌خان قراگوزلو.

در مقدمه کتابچه درباره مؤلف اثر مورد نظر چنین آمده است:

ترجمه تصدیقی که کلونل [کلنل] معلم کل به خط فرنگی در باب مصنف کتاب نوشته عالیجاه علیخان قراگوزلو جنرال بریقاد [بریگاد = تیپ] که عبارت از سرتیپ لشکر نصرت اثر دولت علیه ایران باشد از قواعد نظامیه و حرکات باطالیان [باتالیون = گردان] که در این کتاب مندرج است بسیار با قاعده و درست فهمیده و نوشته است این بنده جان نثار عالیجاه سرتیپ را علماً و عملاً، چه در مشق میدان و چه در تحصیل صاحبمنصبان در مدرسه، با قابلیت و استعداد و فهم دانسته و می‌دانم؛ و بسیار صاحب کمال و آدم معقول است، زیاد شوق دارد در تعلیم و تدریس درسهایی که صاحبمنصبان می‌خواندند. بنده دولتخواه، از روی حقیقت، تصدیق می‌کنم که عالیجاه مشارالیه بسیار با جربرزه و هوشیار است و می‌تواند از عهده خدمات دولت علیه روزافزون برآید. آنچه صدق و حقیقت است این بنده به

۳. این نسخه به شماره ۲۳۹ رف موجود می‌باشد.

خط خود به لسان ایتالیا نوشته تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۰ سجع
مهر: معلم کل افواج قاهره فرانچسکو مطراتسو ۱۲۷۰.

با این تصدیق، محرر کتابچه مشخص می‌شود که علی‌خان قراگوزلو از شاگردان
مدرسه نظام بوده. با ذکر مقدمه‌ای، مصنف کتاب علت تحریر آن را چنین توضیح
می‌دهد:

بسم‌الله الرحمن الرحیم. بهترین نظامی که انتظام صفوف کائنات را لازم و درکار و
لازم‌ترین فرمانی که دسته‌آراسته افواج ممکنات را شایسته و سزاوار تواند بود ثنای
بی‌منتهای ناظمی است که تنظیم عالم به تعلیم صنعتش منوط است و ترتیب سلسله
بنی‌آدم به قدرت کامله‌اش مربوط؛ لشکرآرایی که در نه قلعه سپهر دو علم از ماه و
مهر برافراشت و در هفت میدان زمین طرح نزاع از میان چهار لشکر مختلف برداشته
و قراول اعتدال گذاشت؛ فرماندهی که از تعلیم معلمان قدرتش حصار وجود به دو
حرف^{*} مستخر شد و از تدبیر مدیران صنعتش باره افلاک به نیم اشاره مدور آمد؛
سلطانی که فرد فرد مخلوقات را در نظام هستی یاور است و جوق جوق موجودات
را در بلندی و پستی راهبر. درود نامعدود نثار مرقد پیشرو صفوف اصفیاء سرعسکر
انبیاء و امیر پنجه آل عبا و بر اولیای پسندیده و امنای برگزیده‌اش که پیش‌تازان
میدان دینداری و سربازان عرصه فرمانبرداری‌اند، هر یک رخشنده نشان حمایل
افلاک و امیرنظام ساکنان خطه خاکند، سلام‌الله علیهم. اما بعد، چون منظور نظر و
ملحوظ خاطر مرحمت اثر خدیو زمان اعدل ملوک الدوران شاهنشاه جهان پناه
المؤید من عندا... السلطان ابن السلطان ابن السلطان ابن السلطان ابن السلطان
ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان ناصرالدینشاه
قاجار، روحی و روح العالمین فداه، بر انتظام امور مملکت و کشور است خاصه بر
تربیت اهل نظام، که قوام اسلام قضا نظام بدان مستحکم است، لهذا عالیجاه عزت
همراه کلونل صاحب که از صاحب‌منصبان دولت ایتالیاست به جهت تعلیم
صاحب‌منصبان و سربازان افواج قاهره باهره برگماشته و مأمور داشتند که هر یک
بفراخور استعداد رموز مشق نظام بیاموزند چاکر بی‌مقدار و غلام جان‌نثار علی
قراگوزلو، که از صاحب‌منصبان این دولت قوی شوکت است، آنچه را که از قواعد
نظامیه و حرکات افواج از عالیجاه مشارالیه اخذ نمود درین کتابچه بطریق جدول که

* ظاهراً اشاره به عبارت «کن فیکون» دارد.

اعمال قواعد است مرتب ساخت. امید که واقفان درگاه آسمان جاه چشم از معایب آن پوشیده مطبوع طبع مرحمت اثر گردد. سنه ۱۲۷۰.

این کتابچه در سه بخش (رسد) و یک خاتمه تصنیف شده که، با کمک طرحها و جدولهایی که به آن ضمیمه است و نقشه‌هایی که رسم شده، مطالب دقیق‌تر به خواننده تفهیم می‌شود. بخش «(رسد) اول: در ترتیب باطالیان [باتالیون = گردان] و ترکیب ستون و تشتوان و طریقه احترام داشتن از سلطان و سایر فرماندهان است... باطالیان به معنی فوج و فوج عبارت از ده دسته پیاده‌نظام است؛ و غرض از صف ایستادن سرباز متعدد در یک خط مستقیم و رو به یک جهت به طوری که آرنج هر یک بدون رنج به آرنج دیگری متصل شود. و هر دسته باید مرکب از دو صف باشد و فاصله دو صف از چه پاشنه پای سربازان صف اول تا پاشنه پای سرباز صف دوم تخمیناً نیم زرع باید باشد. همه فوج که بر دو صف مستقیم مرتب شده باشند تشتوان گویند. دو نفر از صف اول و دوم را که محاذی یکدیگر باشند قائل نامند. بلند قامتان سرباز جدید را در صف اول و سایر را در صف دوم جا دهند. نصف دسته را رسد و ربع آن را بهره خوانند» در ادامه مطلب، توضیحات مؤلف است راجع به نقش فرماندهان و صاحب‌منصبان دسته‌ها و افواج مختلف لشکر و شکل‌سان دیدن رجال مختلف از شاه تا فرماندهان عادی لشکر و رژه نظامی (مارش) که در مقابل ایشان انجام می‌شد. در بخش جدولهای حرکات مشق لشکر، که بسیار دقیق و منظم رسم و نوشته شده است، هر جدولی در مقابل خود نقشه همان حرکات را نشان می‌دهد که با رنگ‌آمیزی متفاوت در آن بیان مطلب شده است.

۷. رساله در علم جنگ^۴ تحریر شده در ۱۲۷۲ هـ ق از علی‌ابن محمد ذنبلی تبریزی. این رساله در قطع وزیری کوچک در ۱۳۳ صفحه با خط نستعلیق شکسته و نه چندان خوش نگاشته شده. در صفحه اول مهر کتابخانه دربار ناصرالدین شاه با سجع: «هو در مهر ناصرالدین شاه شاهان» و در حاشیه آن نیز عبارت «کتابچه علم جنگ که علی آقای اطامجور از فارس نوشته و فرستاده است.»

درباره علت نگارش این کتابچه نویسنده چنین توضیح می‌دهد:

... اما بعد چون مکنون ضمیر منیر سلطان عادل بادل ابرکف دریا‌های جمشیدفر خورشید افسر قضا توان و قدر توامان السلطان ابن السلطان ابن السلطان و الخاقان

۴. این نسخه به شماره ۴۰۷ رف در مخزن خطی کتابخانه ملی موجود است.

ابن الخاقان ابن الخاقان السلطان ناصرالدین شاه لازالت رایته و شوکته، در ترقی و تربیت ملک و ملت و در تحصیل علم و عمل در آداب شتاب و درنگ در روز جنگ مرسپاهیان بود، و همچنین سعی و اصرار جناب جلالت انتساب امین ارکان دولت و صدیق سلطان قوی شوکت میرزا آقاخان اجل امجد اکرم افخم سرکار صدراعظم در قوام بنیان خیال پادشاه جمجاه عالم پناه افزوده روزیه‌روز در ایجاد صنایع و کارخانه‌ها و محل تحصیل بر متعلمین و مقرر تمکین بر معلمین فرنگ با فرهنگ در علوم متفاوته گفتند، فی‌الجمله بنده درگاه علی‌ابن محمد دنبلی تبریزی با حکم امنای دولت که در مدرسه جنگ ملقب به دارالفنون مدتی در سلک پیاده نظام مشغول بر تحصیل علم جنگ بود در ۱۲۷۲....

این کتابچه، چنانکه نویسنده آن اشاره دارد، شامل هفت مقاله و یک خاتمه است. نویسنده، در ابتدای متن، موضوع مقالات را به تفکیک و با ذکر صفحات می‌آورد و سپس به شرح هر یک می‌پردازد:

مقاله ۱. در ابتدای تربیت برآحاد و افراد هر یک از اسلحه سه‌گانه که عبارت از پیاده و توپچی و سواره نظام باشد و نتیجه آن در صلاح و جنگ است | بر دولت علیه [صفحه ۵]:

مقاله ۲. در بیان تکالیف صاحبمنصبان کوچک هر باتالیون [=گردان] از اسلحه سه‌گانه و طریق خدمت هر یک از آنها به پایه منصب و ترقی [صفحه ۱۵]:

مقاله ۳. در بیان تکالیف صاحبمنصبان بزرگ که عبارت از یاور و سرهنگ باشد و آداب ترقی ایشان [صفحه ۲۳]:

مقاله ۴. در بیان تکالیف سرتیپ و میربنجه‌الی سرداری، و در حسن خلق و سیرت از روی دیده بصیرت و سلوک ایشان با زبردست خود [صفحه ۳۱]:

مقاله ۵. در بیان جنگ میدانی و مآل اندیشی آن در صورت فتح و نصرت و شکست و نکبت، و رفتار با ملک و ملت دشمن و چند نمره دیگر [صفحه ۴۲]:

نمره ۱ از مقاله ۵. در بیان شغل و تکالیف هر یک از سه اسلحه در محل منازعه و معارضه [صفحه ۵۷]:

نمره ۲ از مقاله ۵. در بیان ترتیب صف قتال در میدان جنگ و جدال [صفحه ۵۹]:

نمره ۳ از مقاله ۵. در بیان منفعت پیشقراول و پسقراول [صفحه ۶۹]:

مقاله ۶. در بیان عقب بردن لشکر در مقام شکست و جنگ‌گریز و چند نمره

دیگر | صفحه | ۷۶؛

نمره ۱ از مقاله ۶. در بیان ثمر جاسوس بر لشکر مأمور | صفحه | ۸۲؛
نمره ۲ از مقاله ۶. در بیان رفتار و سلوک لشکر در هنگام حرکت با رعیت ولایت
در خاک خود و رفتار محبت با ملت در سرای دشمن | صفحه | ۸۶؛
مقاله ۷. در بیان محاصره و مدافعه و تسخیر قلعه و قصبه و متحصن بودن خود
لشکر | صفحه | ۵۹.
خانمه در بیان تفصیل حرکت جدید که به خیال چاکر جان نثار رسیده و منافع
آن در میدان جنگ بیدرنگ | صفحه | ۱۰۹.

نویسنده بر اصل تکیه بر وطندوستی، به عنوان بهترین انگیزه در تربیت افراد و سپاه،
تأکید بسیار دارد چنانکه در توضیح مقاله ۱، راه پیدا کردن انگیزه وطندوستی را چنین
معرفی می‌کند:

... بهتر آن است که برای هر باتالیون از اسلحه سه گانه قصه‌گویی گماشته شود که گاه
و بیگاه در ایام تعطیل، به موجب اذن و دستورالعمل صاحبمنصبان، آن قسمت از
گزارشات گذشتگان و نصایح دیگر به مقتضای وقت و پیشامد مأموریت که موجب
مزید بر غیرت و رشادت و صداقت آن باشد با زبان عوام فهمی بیان نموده چشم و
گوش لشکر گشاده بهر رشادت باشد....

و راه بعدی‌ای که پیشنهاد می‌کند دادن امید به ترقی در میان افراد قشون است که به
شوق آن سعی خود را تمام به کار گیرند و، در عین حال، تفاوت گذاشتن بین افراد
مختلف قشون را برای آنکه جایگاه هریک مشخص باشد و افراد برای رسیدن به افواج
ممتاز کوشش خود را بیشتر کنند به عنوان یک حرکت تربیتی مؤثر می‌داند؛ همچنین
تنبیه افراد خاطی، تا بی‌انضباطی در قشون تسری پیدا نکند چنانکه می‌نویسد: «... هر
قسمت از لشکر را باید به طوری تربیت نمود که به مردن راضی باشند لکن رسم
بی‌غیرتی را بر خود گوارا ندانند...» نویسنده برای راههای پیشنهادی خود مثلهایی از
گذشتگان واقعی و اساطیری داخلی و خارجی و نیز از اقوال و اعمال ناپلئون و برخی از
فرماندهان خارجی و ارتش‌های ایشان و جنگهاشان می‌آورد:

... چنانکه در عهد قدیم فتح و نصرت لشکر بسته بر بیدق بود؛ تا بیدق در جای خود
بود لشکر هرگز پشت هزیمت بر دشمن نمی‌نمود به خصوص لشکر ایران، که از
کثرت غیرت، جان در سر بیدق می‌داد چنانکه بعد از جنگ پشن پس از آنکه فریرز

در جای طوس سپه سالار لشکر ایران گردید ساز جنگ را ساخته با پیران سردار
لشکر توران به مقام مقابله و مقاتله برآمد، بدتر از اولی از سپاه توران شکست خورد
و روی به کوه گذاشته فرار کرد گیو و گودرز از ننگ درنگ نموده بیژن را پی درفش
کاویانی فرستاد که....

در بخشی که ترتیب پیشنهادی مشق نظام را شرح می‌دهد، به تفصیل، استفاده از آن
را در حرکت افواج و در میدان جنگ توضیح داده هر یک از حرکات مشق نظام را در
صحرای جنگ توصیف می‌کند. در انتهای کتاب، با عبارات زیر، مطلب را پایان می‌دهد:
«الحمد لله رب العالمین اگر چه مختصر رفته رفته از جسارت قلم و اصرار فکر و زبان
خیال منتزل* گردید لکن امیدوارم که سرکردگان عظام بر مبتدیان نظام اگر خلاف و
خطایی رفته باشد مبذول دارند و سر به سر ایشان نگذارند.

فی ۱۴ ذی‌عده سنه ۱۲۷۲».

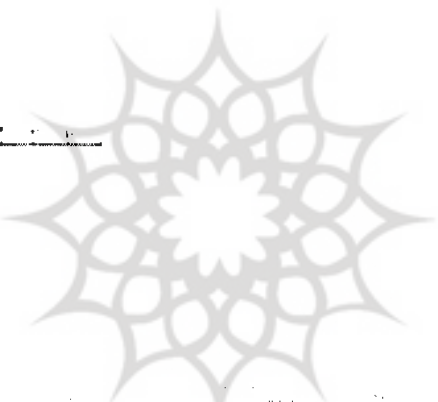
در شماره‌های بعدی فصلنامه به معرفی نسخه‌های دیگری از این مجموعه خواهیم
پرداخت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استباین موفور و شامی غیر محسوس کردی را سزیت که از قدرت کاد خود که بر نفس نفیس این راه است
 موجودات شرف نظری بنجد و سپاس چو در حکمی را رویت که وجود خاک زار حقایق معانی است
 تصرف او و صورت بکات بان سرا چه حجت العالمین منظر آیه وافی بر آیه و لکن رسول الله و خاتم
 النبیین صلی الله علیه و آله نظیرین با و آید پوسیده نماند که غرض از تخریب این مقدمات و منظور از
 نظیر این مقدمات آنست که چون این چاکر جان نثار و بنده صدقت آثار موسی ستمو مهندس و زلفی
 ساد و دولت قوی شوکت ایران صانها الله عن لینی و کجده مان بجان نزاری شمول و در دست است
 و چنان خدمت در نماست سفار غر و به طهرم رکاب سعادت اسباب نواب سستاب غفران باب است
 رضوان مدبر و رالیه الله تعالی فی صل النور و علی حضرت قدر قدرت اقدس ظل النبی روح فراه
 پیود و در صین حرکت و سکون ارد و افحال بحال غازیان ظفر قرین و سپاهیمان نصرت
 این محوط نظر بنده کمترین شایسته ممد که غالب آنها از آداب و رسوم مفاقه پی خبر که
 در هنگام مجاهد از عدم علم و تجربه باعث قتل خود و سپاری از جان نثاران دولت است

است

ردیف	عنوان	محل	تاریخ	نوع	حالت
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

تکمیل در مورخه ...
 در محل ...

آب دروت، در افزون بگنم ممدت مشهور جناب هرات کاتب کافر بهرام امام ازین

دین عظمت خیرالامام حیات الاستقامه و المسلمین باصره التور والذین علی اللادالی والانیکی

جناب عالی میرزا آقا حسنی قدس سرای آفرین شریف را در حفظ کتبک، دینت بصورتی

انجام پذیرفته است که تا طبع طبعت کتبک ایران در آسایش و استراحت

سپاهیان و دینت بحکمت شجاعت و ادب خدایتان آفرین در ترفی و بسپاهیان

دولتانی فارغیت نمودند و نیز در روزها در وقت، قوتی فرقی با بیوفائی عرضت برآورد

اشان هم مشغول می گردا میدادند که پس از اول طفره دوران این فرقی استخام اگر طبعی

و قبول قولی ادالت را در اثر ارضی باقی صورت استخام سپه سالاران

بند شکر دارا در عرضت برآورد که بسپاهیان را از اخطام

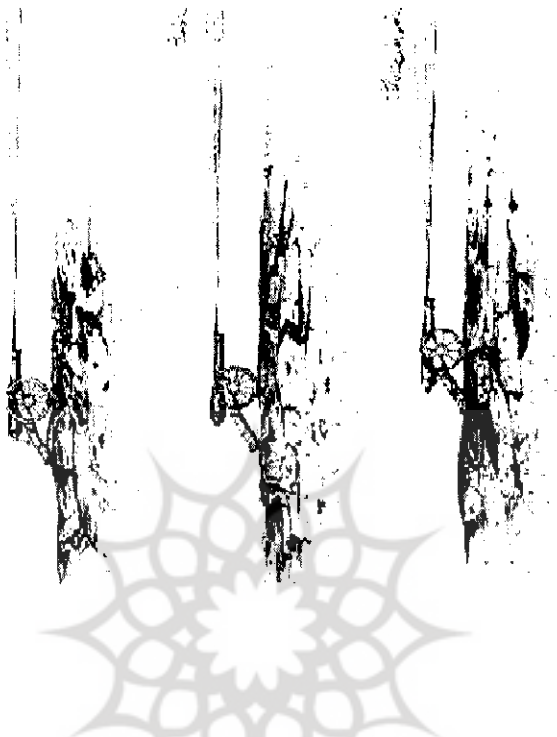
ان توبه حاصل شود و در استقامت علی کن

القی السعد فی

محمد زکریا

محمد زکریا

محمد زکریا



این رساله است و توان این تواند نظام کسب الفرایس این علامه



زادگی از لغت فرانسه فارسی ترجمه و تملک برده قانون یکصد و بیست
قاعده



قانون اول کشف است معنی قاعده
ایرانیت و ایرانیت
قاعده اول

نظام و نام و نام است بر روی و نام است با یک نام و نامی امر و نامی بود
و نامی نامی نام و نام و نام است
قاعده دوم

در کتب این نام و نامی و نامی و نامی و نامی و نامی
و نامی و نامی و نامی و نامی و نامی و نامی

پژوهش‌های علمی و تحقیقاتی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

و نامی و نامی و نامی و نامی و نامی و نامی
و نامی و نامی و نامی و نامی و نامی و نامی
و نامی و نامی و نامی و نامی و نامی و نامی

قاعده دوم

۱. دراک نبود این بنا را نظایر ذکر این اسما و تسمیه

۱. سربازخانه سواد

۲. ساکن براره

۳. منازل صاحب نصابان

۴. ملو لیا کجه اسپانی اوه

۵. تقسیم خانه سواره

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶. قراول خانه

رتال جامع علوم انسانی

۷. محبتخانه نظام

۸. چارخانه نظام

۹. انبارهای اردو

قاعده نهم

هرگاه فوج بهر طرف رسیده در پنج حارات حضور یافت نیش و بجهت نزل نمازجا نماید یا بگوید چو رسیده است وقت فایز شد

و با چهارت نیست در هر صورت باید فوج را بعد از آن در بنده عربین از حجاب و غیره رنگی تقسیم بپوشانند و مهارت

در آن سوره نمایند که در خانه صرافان کسان بگردن محال چه شد برود زیرا که در وقت جنگ با زار جود نماید در وقت فرصت در

غیر که در بنده عربین به نبرد برود و به خاطر نظام کرده و همین نباید در خانه زمان برود و دشمنان به شوهر نزل نمایند لکن تا

عاید به بستن باشد و بعد از آن فوج باشان رسیده است در جای دیگر خود را بجهت نماز صبح نمایند اما بشیرین تقسیم

و حال آید در تقسیم ملاحظه جانب داری بزرگ و کوچکت غیر و غیر نمایند تا نظم و تقدیر کمی شود

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

قاعده دهم

مجبوران و افراد افواج را باید در خطه بشا بنکر بانداده شود و تمام نام داشته باشند و همین درین حارات و طوایف چنانکه

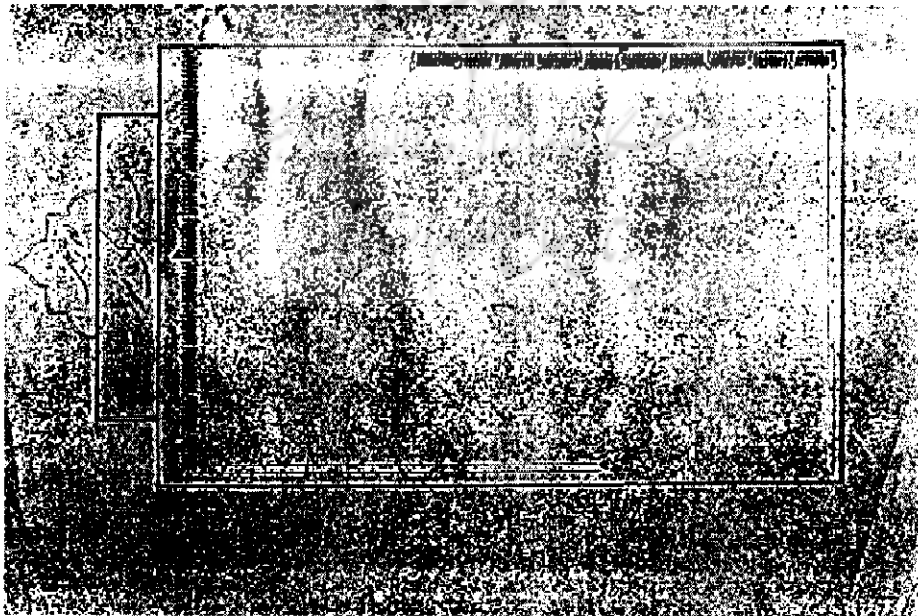
در قواعد پیش گفته مرقوم دارند

ع ۲ در ربع اول ۱۱۶۰

زنده بود که طویر معلوم کل و در این مکتب کتابت شده
 عالمه عثمان و از اول و حوالی بر تها و له محراب از تبت ستر حضرت از اولت علیه السلام
 از قواعد نظامیه و در کتاب ناظر انسان که در این کتاب مبیح است بسیار با فاعده و در
 تصدیق و در ششم است این سوره جان مبارک به برت را علی و خلاصه در پیش میمان و در
 صاحبها در هر سه با قابلیت و استعداد و فهم و آله و میراثم و در کتابها در کتاب و آدم
 معصوم است را با توفیق دارد و در تعلیم و در هر سه در سما میله صاحبها میمان میخوانند و در
 حواء از در حقیقت تصدیق میگویم که عالمه بسیار از این سوره و در هر سه بسیار است
 و میمان از این سوره در هر سه کتابت علیه در در افروزی بر اینرا که صریح و حقیقت است
 این سوره که طویر ملبان اطمینان داشته که در این سوره در هر سه در کتابت



نقش	فهرست	تذکره	فهرست	فهرست
فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان
	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان
فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان	فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه پدگان

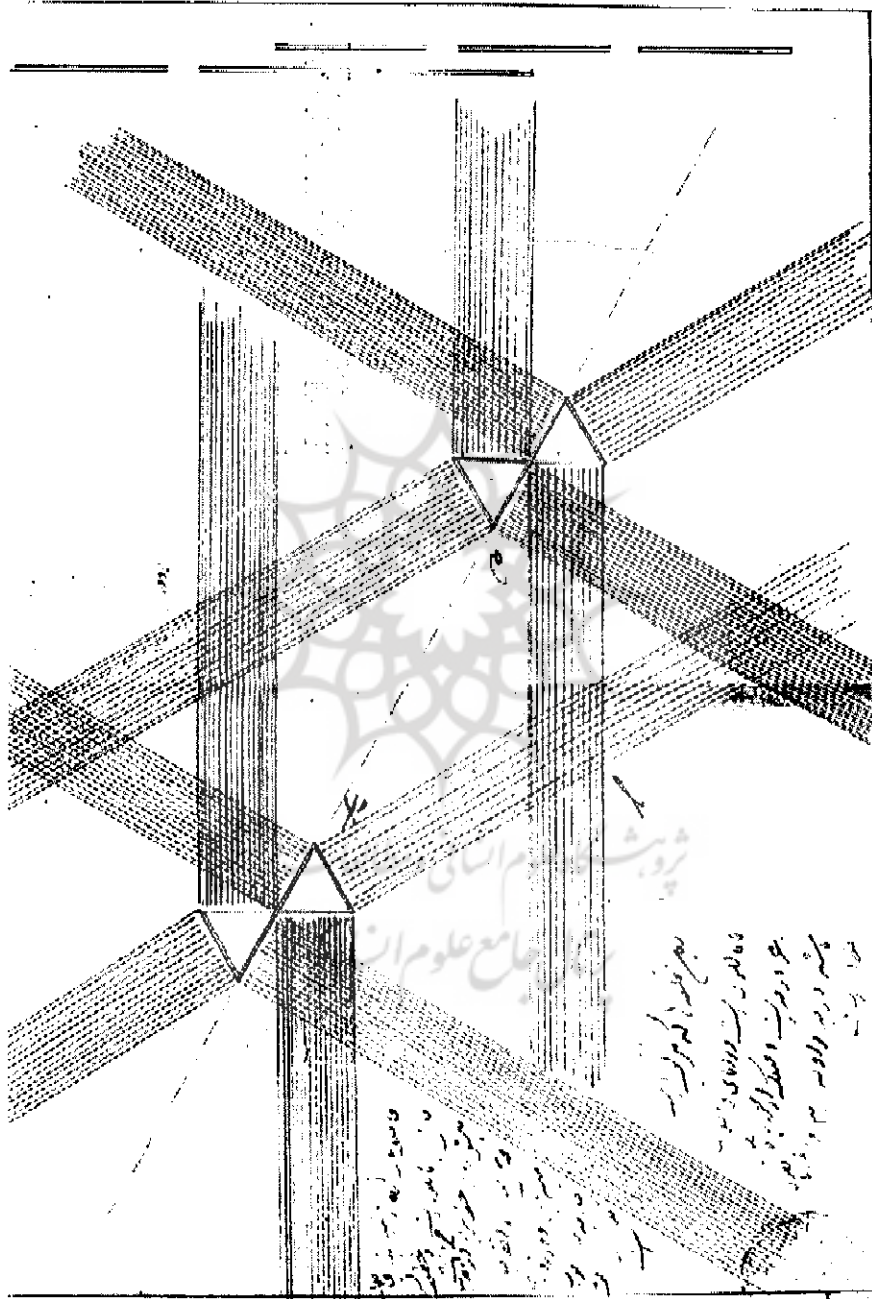


ایا بعد محو من مظلوم نظر و خوف و غنا طرز بر سر است از ضد نور و ان بعد اول
 شاد و با جان و تو میزند نه که آسایش این است و جان این است و جان
 ایندگان این است این جان و جان این جان این جان این جان این جان این جان
 جان و روی از روح اهل فریخ و غیب اولم و کوهک که کوهک است غایت ترش جان
 که تو اسم بسیار در تمام مبدان است اندک پاره کوهک که کوهک است جان
 جان و جان جان جان جان است جان جان جان جان جان جان جان جان جان
 با همه کوهک نامور در کوهک که کوهک است کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک
 جان کوهک از و جان جان جان جان جان جان جان جان جان جان جان جان
 کوهک است جان جان جان جان جان جان جان جان جان جان جان جان جان
 اندر دوری کوهک کوهک جان کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک
 و جان کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک
 کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک
 کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک کوهک

سکه آید الرحمن ارحم
 سیرین می که هلاک ضحوف کلمات بالا زوم و در کار و لامبرین ترا
 که و سکه آید افون کلمات راسته و سکه آید افون کلمات راسته
 نامی است که شریف عالم تصنیف من هاست برت سلسله ای دم به درت
 کوهک شمش بر و کوهک آید که در قلم سیر و علم از کوهک شمش و کوهک
 طبع زبان از سکه آید کوهک شمش بر و کوهک شمش بر و کوهک شمش
 که آید تصنیف طبع شمش بر و کوهک شمش بر و کوهک شمش بر و کوهک
 هلاک بیم نام زنده در سکه آید که در قلم سیر و علم از کوهک شمش
 و طبع قی و جو در آید سکه آید کوهک شمش بر و کوهک شمش بر و کوهک
 صنوف صنفا و سکه کوهک شمش بر و کوهک شمش بر و کوهک شمش
 کوهک شمش بر و کوهک شمش بر و کوهک شمش بر و کوهک شمش بر
 سکه شمش بر و کوهک شمش بر و کوهک شمش بر و کوهک شمش بر

سنگان قرمزی که خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش
 در آغوش خورشید خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش
 سینه او که در آغوش خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش
 علم و دانش در آغوش خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش
 نوازنده در آغوش خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش
 به کوهستان در آغوش خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش
 هر که از کوهستان در آغوش خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش
 است عفت و تقوی که در آغوش خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش
 خورشید را در آغوش خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش
 سینه او که در آغوش خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش
 سینه خورشید را در آغوش خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش

۱۳۳
 هفت و شش تا نود و یک است بدست مستورین تقدیر بند
 دلجو و نیکو دست در دست بنایون اول برین صلا حرم سلا
 مرکز بنایون هم برین صلا اول بشه و درین صلا
 بهین صلا در میان بنایون با یکدیگر نامیدند
 یک برین صلا در میان بنایون است بشه
 آنگونه در بنایون و کوه خورشید در آغوش
 عبادت قسم و هزار شکر و زودان
 خیال سلوک کردید کس نبود
 در آغوش خورشید را در آغوش می گیرد و در آغوش
 برین صلا بنایون هم برین صلا حرم سلا
 هفت و شش تا نود و یک است بدست مستورین تقدیر بند
 دلجو و نیکو دست در دست بنایون اول برین صلا حرم سلا
 مرکز بنایون هم برین صلا اول بشه و درین صلا
 بهین صلا در میان بنایون با یکدیگر نامیدند
 یک برین صلا در میان بنایون است بشه
 آنگونه در بنایون و کوه خورشید در آغوش



این نقشه که در کتاب
صناعات و معادن
ص ۱۰۰ و ۱۰۱
موجود است
مربوط به
ساختن
سازه‌های
معماری
است
و در آن
خطوط
موازی
و متقاطع
به کار
رفته است
تا با
هم
تداخل
کنند
و یک
شکل
ستاره
ای
سازند
که در
این
نقشه
مشاهده
می‌شود



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی